

ارزیابی شاخص‌های توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد دارایی مبنا در کلانشهر تهران (نمونه موردی: محله میان آباد اسلام شهر)

مصطفی بهزادفر¹، عبدالحمید نقره‌کار²، سید کمیل صالحی³

تاریخ وصول: 1397/02/30، تاریخ تایید: 1397/06/10

چکیده

امروز وضعیت شهرنشینی و اسکان غیررسمی در جهان و نظریه‌ها و تجارب آن حاوی نکات روشن و مفیدی است. در حالی که آمارها حاکی از روند رو به رشد جمعیت شهری، به ویژه در کشورهای در حال توسعه است، فقر به مثابه یکی از جنبه‌های تمرکز جمعیت در شهرهای این کشورها از اهمیت روزافزونی برخوردار می‌باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر در وهله اول، شناسایی شاخص‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر رویکرد دارایی مبنا به عنوان رویکردی نوین در تقابل با رویکرد نیاز مبنا و در وهله دوم، سنجش شاخص‌های استخراجی به منظور درک میزان تأثیرگذاری هر یک در رضایتمندی ساکنان این سکونتگاه‌ها از شرایط زندگی و نقش هر کدام از شاخص‌ها در ارتقای شرایط زندگی این افراد می‌باشد. محدوده مورد مطالعه پژوهش محله میان آباد اسلام شهر می‌باشد که در سال 1395 نزدیک به 24 هزار نفر جمعیت داشته و در پایان سال 1386 و ابتدای سال 1387، حدود 45 هزار نفر در میان آباد زندگی می‌کردند. روش به کار گرفته شده در پژوهش به صورت ترکیبی مبتنی بر اسنادی، پیمایشی و تحلیلی است که اطلاعات و داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع آوری شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش از طریق فرمول کوکران، 385 نفر محاسبه گردید. اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع آوری شدند و با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت با استفاده از نرم افزار SPSS و از طریق آزمون Linear Regression تحلیل گردیدند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده این است که، همبستگی در زیرشاخص ساختمان مسکونی مربوط به شاخص سرمایه کالبدی بالاتر از بقیه موارد بوده و بعد از آن زیرشاخص درآمد ماهیانه مربوط به شاخص نیاز مالی بالاترین میزان همبستگی را به میزان رضایت ساکنان سکونتگاه غیررسمی را به خود اختصاص می‌دهد. بعد از این دو زیرشاخص می‌توان گفت بالاترین امتیازها مربوط به زیرشاخص‌های شاخص سرمایه اجتماعی از قبیل: پاسخگویی، اعتماد نهادی، مشارکت، ظرفیت‌سازی نهادی می‌باشد.

کلیدواژگان: سکونتگاه غیررسمی، توانمندسازی، رویکرد دارایی مبنا، همبستگی، رضایتمندی، محله میان آباد.

1- استاد، گروه شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت (نویسنده مسئول).

2- دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت.

3- دانشجوی دکتری گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت

مقدمه

با تمرکز فقر در شهرها در طول چند دهه اخیر و به موازات صنعتی شدن جهان، مشکل نابرابری خدمات‌رسانی و مسکن پرازدحام به مثابه جنبه‌ای نامطلوب از زندگی شهری نمایان گشت؛ در واقع چنین روندی با عینیت یافتن جنبه‌های کالبدی فقر در قالب محله‌های فقیرنشین و اسکان غیررسمی به مشخصه اکثر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه بدل شده است. در واقع اسکان غیررسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که در درون و یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی با تجمعی از افراد کم‌درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان و محلات آلودگی نامیده می‌شود (پیران، 1382: 7). بنابراین محیط زندگی این سکونتگاه‌ها پذیرای ناپهنجاری‌ها و برانگیزاننده آسیب‌های اجتماعی است که گاه در استدلالی وارونه، علت پیدایش این سکونتگاه‌ها قلمداد می‌شوند (صرافی، 1382: 3).

از همان ابتدای ظهور پدیده اسکان غیررسمی به فراخور زمان و بنا به شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز نگرش‌های حاکم، رویکردهای مختلفی برای حل مسئله در دستور کار قرار گرفت، به طوری که پس از شکست نگرش لیبرالیستی و کارکردگرایانه در اواخر دهه 1980 رهیافت توانمندسازی مطرح گردید که این رویکرد افراد ساکن در این نوع سکونتگاه‌ها را نه به عنوان یک معضل بلکه به عنوان یک دارایی اجتماعی نگریسته و ارتقای وضعیت اجتماعی-اقتصادی آن‌ها را با نقش تسهیل‌گر دولت بر عهده خود آنان می‌گذارد تا تعهد و توانمندسازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید (جوان، 1382: 32).

در ایران نیز با توجه به مسائلی که در زمینه اسکان غیررسمی برای کلانشهرها و حتی شهرهای میانی به وجود آمده است، رویکردهایی در قبال حل مسئله مورد توجه قرار گرفته است و حتی در مواردی سیاست تخلیه و تخریب در برخی کلانشهرهای ایران نیز به چشم می‌خورد. اما به موازات توسعه رویکردهای حل این مسئله، تجارب جهانی در رابطه با اسکان غیررسمی در ایران رویکردهایی به مراتب مناسب‌تر برای حل مسئله تعریف شده است. یکی از این رویکردهایی که در کشور ما مورد توجه بوده است، رویکرد توانمندسازی بوده است که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن دارایی مبنا بودن در برابر نیاز مبنایی می‌باشد. در واقع می‌توان بیان کرد که توجه به سرمایه‌های محلی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری جایگاه ویژه‌ای یافته است. چنانچه رویکرد دارایی مبنا به عنوان رویکردی با تکیه بر سرمایه‌ها و پتانسیل‌های محلی به عنوان جایگزین رویکرد نیازمبنا، در چند دهه اخیر از سوی صاحب‌نظران مطرح شده و نتایج موفقیت‌آمیزی به دنبال داشته است. در این پژوهش پس از معرفی سکونتگاه‌های غیررسمی و رویکرد دارایی مبنا در توسعه اجتماع محلی به ارزیابی شاخص‌های رویکرد دارایی مبنا در مقابل رویکرد نیازمبنا در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی اقدام می‌شود. با توجه به این موضوع که امروزه 90 درصد سکونتگاه‌های غیررسمی کشور در داخل محدوده خدماتی شهرها قرار دارند و حتی برخی محلات بیش از دو دهه است که در داخل محدوده خدماتی واقع شده‌اند که نمونه این سکونتگاه‌های جمعیتی، شهر اسلامشهر می‌باشد و نیز با توجه به اینکه در بخش جمعیتی، محله میان‌آباد جزء حوزه‌های حاشیه‌ای شهر است و این حوزه در سیر تکوین و گسترش اسلام‌شهر در مراحل ثانویه شکل یافته و مسکونی شده است و بررسی شاخص جمعیتی در این محله نشان‌دهنده نوعی گسستگی می‌باشد، این محله به عنوان یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی شناخته می‌شود، که در پژوهش حاضر به عنوان نمونه مورد مطالعه مدنظر قرار گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

با وجود اینکه رویکرد دارایی مبنا رویکرد جدیدی در شهرسازی است، اما قبل از آن‌که کرتزمن¹ و مک نایت² آن را به عنوان رویکردی جایگزین برای بهبود جوامع محلی آمریکا پیشنهاد دهند، تجربیاتی نظیر تجربه جین جکوبز و پانام به گونه‌ای از اثرات سرمایه اجتماعی در بهبود جوامع محلی بحث کرده است. عارفی نیز رویکرد دارایی مبنا را در توسعه اجتماعات محلی شهر اس‌آنجلس مورد استفاده قرار داد. او موفقیت این رویکرد را در افزایش تمایل به مشارکت شهروندان و حس تعلق ساکنان می‌داند و بر شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کند. همچنین این رویکرد را در کشورهایی چون فیلیپین، اکوادور، مصر و اتیوپی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد اجتماعی در بسیاری موارد به توسعه اجتماع محلی و کاهش فقر منجر شده است (Mathie & Cunningham, 2008).

فرلندر و تایمز³ (2001) در تحقیقی با عنوان «شبکه‌های محلی و سرمایه اجتماعی» رابطه بین شبکه‌های محلی و سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها، حمایت و اعتماد) در اجتماعات محلی را مورد بررسی قرار دادند. تحلیل اولیه نشان داد که سطح نسبتاً پایینی از سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان وجود دارد. همچنین تعداد کمی از پاسخگویان خود را از طریق اجتماعی شناسایی کردند و حس تعلق به آن دارند. پومکاو⁴ (2006) در مطالعه خود در زمینه سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی در تایلند به این نتیجه دست یافته که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از قبیل صداقت و همکاری به افزایش سطح مشارکت و توسعه مبتنی بر جامعه منجر می‌شود. گاریپ⁵ در پژوهشی موضوع مهاجرت روستا-شهری را با دیدگاه سرمایه اجتماعی بررسی کرده و معتقد است که سطوح و توزیع منابع سرمایه اجتماعی به تغییر در پویایی اقتصادی- اجتماعی و جمعیتی مناطق روستایی منجر شده است. مورگان⁶ (2011) در مقاله‌ای تحت عنوان «سهم سازمان‌های دولتی در بنگلادش در توسعه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جامعه» که به بررسی سازمان‌های دولتی به خصوص آموزش و پرورش پرداخت و به این نتیجه رسید که ظرفیت سازمان‌های غیردولتی برای توسعه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی به دلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور محدود است. عباس‌زاده و گوهری (1387) در مقاله‌ای تحت عنوان «توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تکیه بر سرمایه اجتماعی نمونه موردی: شهرک شهید باهنر مشهد» به این نتیجه رسیدند که: تغییر نگرش ساکنین (که در سطح اول در جلب اعتماد و اطمینان را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در مشارکت‌پذیری مردم در توانمندسازی شهرک باهنر برشمرد. خاکپور و همکاران (1388) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه موردی: کوی سجاده مشهد)» به این نتیجه دست یافتند که می‌توان با تقویت سرمایه اجتماعی به پایداری محله‌ای دست یافت. نیازی و نصرآبادی (1388) در مقاله‌ای تحت عنوان «توانمندسازی براساس راهبرد سرمایه اجتماعی» به این نتیجه رسیدند که از آنجا که سرمایه اجتماعی تبلور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سازمانی مبتنی بر اعتماد و مشارکت افراد است، بنابراین هرگونه اقدامی از طرف مدیران برای غنی‌سازی فرهنگ سازمانی می‌تواند موجب افزایش سرمایه اقتصادی شود. محسنی تبریزی و آقامحسنی (1389) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری؛ مورد پژوهی: شهر محلات» به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و درجه دینداری با توسعه شهری به عنوان متغیر وابسته، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد

-
- 1- Kretzmann
 - 2 Mcnight
 - 3- Ferlander & Timms
 - 4- Poomkaew
 - 5- Garip
 - 6- Morgan

درحالی که برخلاف نتایج تحقیقات پیشین انسجام اجتماعی و توسعه شهری رابطه معکوس و معنادار مشاهده گردید. در زمینه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر رویکرد دارایی مبنا در محله میان‌آباد اسلامشهر تاکنون مطالعه‌ای صورت نگرفته است و پژوهش حاضر اولین قدم در جهت توانمندسازی این محله با رویکرد دارایی مبنا می‌باشد.

چارچوب نظری پژوهش

سکونتگاه‌های غیررسمی

در بیشتر منابع، این اصطلاح عموماً به عنوان ناحیه‌ای پر ازدحام با خانه‌های کهنه و مسکن ارزان تعریف شده که غالباً در محله مرکزی شهر و یا نزدیک به آن قرار گرفته است. معمولاً ساکنان آن فقیر هستند و از محیط ناسالم و دارای بزه و مشکلات اجتماعی برخوردارند. اگرچه تمرکز گروه‌های نژادی در آن به چشم می‌خورد، اما تا حد زیادی با مفهوم گتو متفاوت است. در واقع می‌توان بیان کرد، Slum تنها به مفهوم محله‌های مرکزی و فرسوده شهر در نظر گرفته شده که ناپایداری بناها به دلیل مجموعه عواملی چون سن بنا، مسامحه‌کاری و متروکه شدن بنا و یا تقسیم آن به بخش‌های فرعی و برای توصیف سکونتگاه‌های فقیرنشین، اصطلاحات بسیار متنوعی به کار رفته است که هر یک نشان‌دهنده جنبه‌ای از ویژگی‌های این سکونت‌گاه‌ها است. از جمله می‌توان سکونتگاه‌های خودانگیخته¹، غیررسمی²، مهارگسیخته³، موقتی⁴، نامنظم⁵، غیرقانونی⁶، خودیار⁷، حاشیه‌ای⁸، پیرامونی⁹، آلونک¹⁰ و سکونتگاه‌های را برشمرد. یک اصطلاح برای تمام این سکونتگاه‌ها نمی‌تواند منطقی باشد و حتی در پاره‌ای موارد به کار گرفتن چند اصطلاح برای یک سکونتگاه ممکن است رایج باشد. زورآباد¹² یکی از رایج‌ترین اصطلاحات و مهم‌ترین اشکال سکونتگاه‌های فقیرنشین در کشورهای در حال توسعه است که بیشترین مباحث را در کشورهای آمریکای لاتین به خود اختصاص داده است (ایراندوست، 1393: 36). به طور خلاصه، مشخصه خاص این سکونتگاه‌ها تعریفی فراگیر را می‌طلبد و گزینش یک اصطلاح خاص برای آن‌ها تنها به منظور رسیدن به اتفاق نظر است. در این میان، اصطلاحات مسکن افراد کم‌درآمد، غیررسمی و خودیار ارجحیت دارند و بازگوکننده ماهیت مسکن محلات غیررسمی هستند. اما نکته اساسی این است که این سکونتگاه‌ها با توجه به ویژگی‌های بنیادی‌شان چون مصالح به کار رفته، نحوه تصرف، وضعیت آن‌ها در قبال قانون، سرعت تصرف، ابعاد موقعیت، منشأ و ماهیت ساکنان و آرمان‌های آن‌ها، بسیار متفاوت و متنوع‌اند (جمالی و همکاران، 1390: 217).

جدول 1: ویژگی‌ها و خصوصیات کالبدی

ارائه‌کننده	ویژگی‌ها و خصوصیات
پیران	دربرگیرنده مکان جغرافیایی مشخص‌اند. منافع مشترکی ساکنین را به هم پیوند می‌دهند.

- 1- spontaneous
- 2- Informal
- 3- uncontrolled
- 4- makeshift
- 5- irregular
- 6- illegal
- 7- self help
- 8- marginal
- 9- peripheral
- 10- shanty town
- 11- Settlements low income
- 12- Squatter settlement

<p>الگوهای مشترک بر روابط اجتماعی-اقتصادی ساکنین آن‌ها حاکم است. تجانس گروهی و همبستگی نسبتاً بالایی خاصه در مواجهه با مسائل مشترک و افراد خارج از اجتماع از خود بروز می‌دهند.</p> <p>نهاد‌های خاص خود را پدید آورده‌اند.</p> <p>یکدیگر را کنترل می‌کنند (پیران، 1382: 45).</p>	
<p>منطقه واحدهای مسکونی رو به ویرانی و فرسوده با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها تسلط فرهنگ فقر در منطقه</p> <p>شهرک‌هایی چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم‌دوام</p> <p>گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری</p> <p>مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه شهرها</p> <p>ایجاد فضایی که در آن بسیاری از رفتارهایی که در فرهنگ جامعه ناهنجار و یا غیرعادی تلقی می‌شود در این مکان‌ها عادی است (شکویی، 1387: 1).</p>	شکویی
<p>وجود اتصالات عریان، فرسودگی‌های شدید سیم‌کشی‌های سردستی که در تضاد شدید با خانه‌های محکم قرار می‌گیرند را از خصوصیات این مناطق می‌داند (Low et al, 2016: 12)</p>	پرلمن

مأخذ: (نگارنده، 1396)

رایج‌ترین شکل تکوین و توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی، با تقسیم و باز تقسیم زمین‌های کشاورزی و با توافق مالک و با خرید زمین آغاز می‌شود؛ این شکل ساخت‌وساز در قالبی غیررسمی و نه غیرقانونی شکل می‌گیرد. در این شیوه که در ایران نیز بسیار رایج است، معمولاً زمین‌های کشاورزی اطراف شهر توسط مالکین به قطعات کوچک تفکیک شده و با واسطه‌هایی به فقرا شهری که به دنبال زمین کوچک و در استطاعت خود هستند، فروخته می‌شود. در مجموع در ایران تقسیم و باز تقسیم زمین‌های کشاورزی حاشیه شهرها و زمین‌های خارج محدوده مهم‌ترین شیوه دستیابی به زمین برای ایجاد اجتماعات غیررسمی است (پیران، 1382: 25). در این میان فعالیت سودجویانه باندهای محلی زمین نیز در بسترگشایی پیدایش بسیاری از سکونتگاه‌های خودانگیخته و غیررسمی مؤثر بوده است؛ این باندها در تفکیک زمین، فروش قولنامه‌ای آن، تأمین مصالح و عوامل کار، تنظیم روابط سازندگان مسکن و نوعی حمایت غیرقانونی در مرحله ابتدایی اسکان فعال هستند (صرافی، 1382: 266).

مفهوم توانمندسازی

برای واژه توانمندسازی در فرهنگ غرب معانی متعددی ذکر شده است. این واژه و واژه‌های مترادف با آن از قبیل توانایی، 1. رشد، 2. پیشرفت، 3. توسعه، 4. اصلاح و بهبود، 5. آماده‌سازی، 6. چیرگی و تسلط، 7. از عصر روشنگری - که ارتباط نزدیکی با فرآیند صنعتی سازی نوین داشت - به طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت (بمانیان، 1391: 12). در ادامه به ارائه تعاریف توانمندسازی بیان شده توسط نظریه‌پردازان در قالب جدول 3 پرداخته می‌شود.

- 1- Capability
- 2- Growth
- 3- Progress
- 4- Development
- 5- Amelioration
- 6- Provide
- 7- Mastry

جدول 2: تعاریف توانمندسازی از دیدگاه نظریه پردازان

نظریه پرداز	سال	تعاریف توانمندسازی
کانتر	1983	توانمندسازی القای حس قدرت به افراد است. زیرا هر روش مدیریتی که بتواند حس استقلال افراد را تقویت کند، به احساس قدرت در آن‌ها می‌انجامد (Divani, 2010: 27).
برگس و همکاران	1997	نوع نگرش به توانمندسازی را می‌توان به ایستا و پویا دسته‌بندی است. در نگاه ایستا، توانمندسازی به تفویض تصمیم‌گیری در یک چارچوب روشن و پاسخگویی افراد در برابر نتایج، خلاصه می‌شود. در معنای پویا فرایندهای جامعه و فضا در مسیر توانمندسازی همیشه فعال و به روز عمل می‌کنند (Bego & et al, 2003: 115).
کاونتس	2001	علم به عنوان روشی عقلانی، معرفت منظم و دقیق به بار می‌آورد و به صورتی هدفمند، پویا و کارآمد بر توانمندی انسان‌ها می‌افزاید. توانمندی از دیدگاه کاونتس به معنای حل مسائل و مشکلات اجتماعی است. مشکلاتی از قبیل فقر، بیکاری، نژادپرستی، جنسیت‌گرایی، آوارگی، اعتیاد به مواد مخدر، خشونت و... (خرائی، 1390: 24).
اسکندری	1394	تعریف لغوی توانمندسازی، قادر ساختن افراد برای انجام کار است. ولی در تعریف اصطلاحی، توانمندسازی فرایند تقویت احساس خود اثربخشی است. این کار توسط شناسایی وضعیت‌هایی که احساس بی‌قدرتی را در افراد به وجود می‌آورند و حذف آن‌ها با استفاده از شیوه‌های رسمی سازمانی و فنون غیررسمی تدارک اطلاعات موردنیاز افراد که موجب اثربخشی آن‌ها می‌شود، امکان‌پذیر است (اسکندری، 1394: 55).
گاوا	2005	منظور از توانمندسازی اجتماعات محلی این است که آن‌ها بتوانند همه توانایی‌ها و دانش‌های خود را توسعه دهند و از توان و دانش توسعه‌یافته خود برای رسیدن به اهداف فردی، محلی و شهری استفاده کنند (Lana, 2017: 44).
فرویل	2007	توسعه همان توانمندسازی فرد است که در سایه تعلیم و تربیت شکل می‌گیرد. توانمندی که به وسیله آن زندگی فرد وسعت می‌یابد و او مشتاقانه خود را در همه فعالیت‌های اجتماعی وارد می‌کند تا در مسابقه پیشرفت کند (Ostrom, 2016: 13).
مشیری و همکاران	1392	توانمندسازی، زمینه‌سازی برای ارتقای شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و به کارگیری ظرفیت‌های موجود است (مشیری و همکاران، 1392: 11).

مأخذ: (نگارنده، 1396)

با توجه به تعارف ذکر شده می‌توان بیان کرد که به طور کلی تعاریف متعدد و گوناگونی از توانمندسازی ارائه شده است که هرکدام دارای جهت‌گیری معین با یک دیدگاه و حتی ایدئولوژی مشخص می‌باشند. البته برای توانمندسازی، تعریف دقیق علمی با مرزهای مشخص وجود ندارد ولی اکثر صاحب‌نظران، کارشناسان و متخصصین امور شهری تا اندازه‌ای بر موارد زیر در زمینه توانمندسازی تأکید دارند: توانمندسازی یک جریان خودجوش و پویا است که از درون بافت اجتماعی شکل می‌گیرد، القای نظر و مفهوم توانمندسازی در یک جامعه معین به صورت دستوری (سطحی و مصنوعی) و بدون در نظر گرفتن بافت اجتماعی - فرهنگی جامعه¹ آثار محدودی ممکن است، داشته باشد و از لحاظ پایداری چون ریشه در بطن روابط اجتماعی مردم ندارد، عمر کوتاهی خواهد داشت، رهبران عقیدتی، مذهبی و سیاسی و همچنین افراد کلیدی می‌توانند در شکل‌گیری و ارتقای سطوح توانمندسازی اجتماعی نقش به‌سزایی داشته باشد، توانمندسازی چیزی نیست که اعطا شود بلکه فرآیندی است که از شرایط موجود به‌وسیله افراد آگاه در یک جامعه معین نشئت می‌گیرد، شکل‌گیری توانمندسازی به فنون و مهارت‌هایی از قبیل سازمان اجتماعی² و توسعه اجتماعی³ و همچنین ارتباطات پویا نیاز مبرم دارد، توانمندسازی رویکردی است که با توجه به روابط قدرت⁴ به

1- Socio- Cultural Context

2 - Community Organization

3 - Community Development

4 - Power Relations

موازنه قوا در جامعه ارتباط دارد و هدف نهایی آن تلاش برای تقسیم مجدد قدرت موجود اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و کسب هویت فرهنگی توسط گروه‌های محروم است، عالی‌ترین مرحله توانمندسازی در کنترل اجتماعی¹ بر کلیه امور و فنون و شئون جامعه که در قالب نهادها و مؤسسات مردمی خود را منعکس می‌نماید، تبلور می‌یابد (Bego & et al, 2003: 115).

چارچوب مفهومی سیاست‌های دارایی مبنا

سیاست‌های دارایی مبنا²، رویکردی نوین در توسعه اجتماعات محلی است که با تکیه و تأکید بر قابلیت‌های درونی جوامع، مجموع دارایی‌های اجتماعی محلی را اساس توسعه قرار می‌دهد. رویکرد دارایی مبنا در برابر رویکرد مرسوم نیاز مبنا³ تعریف می‌شود.

فرابندگرا در برابر پیامدگرا: این ویژگی سیاست‌های دارایی مبنا از رهگذر ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی بر مبنای بسیج دارایی‌های اجتماعی، مالی و یا کالبدی آن‌ها اتفاق می‌افتد. رویکرد پیامدگرا میان رفاه مردم و مکان تفاوت می‌گذارد. برای مثال این رویکردها مردم را مستقیماً از طریق یارانه‌های دولتی و قطع نظر از مکان زندگی آنها هدف قرار می‌دهند. به همین ترتیب، هدف و رویکرد سیاست‌گذاری با پیامد خاص کالبدی است و به اثرات آن بر روی مردم بی‌توجه است (عارفی، 1380: 23).

جامع در برابر مقوله‌ای: رویکرد دارایی مبنا واجد ویژگی جامعیت در برابر مقوله‌ای است. سیاست‌های نیاز مبنا نوعاً مقوله‌ای هستند و نشانه‌های فقر را هدف قرار می‌دهند و معمولاً محله‌های نیازمند را عاری از روح اجتماعی و شبکه‌های مدنی قلمداد می‌کنند (همان: 28 - 27). برای مثال می‌توان از سیاست تخریب و پاکسازی گتوهای فقر و حاشیه‌نشینی در بسیاری از کشورهای جهان سوم نام برد. پاکسازی محله خاک سفید تهران، تخریب و پاکسازی زاغه‌های منطقه سیدی و انتقال زاغه‌نشینان قلعه آبکوه در شهر مشهد (حاتمی نژاد، زمردیان، 1381: 16)، نمونه‌هایی از برخورد مقوله‌ای و تمایز رفاه مردم و رفاه مکان به جای جامعیت این دو است. برخوردهای مقوله‌ای، تلقی حاشیه‌های بدون روح اجتماعی و شبکه‌های غیررسمی دارند که در رویکرد جامع‌نگر این مفاهیم، ابزاری برای تلقی آن‌ها به عنوان دارایی‌های محلی به حساب می‌آیند.

ابزاری در برابر درونی: توسعه اجتماعی، فرایند سیاست‌سازی و تصمیم‌گیری با رویکرد دارایی مبنا را تشکیل می‌دهد و دارایی‌های اجتماع محلی از قبیل سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی و سایر منابع محلی به عنوان ابزاری برای دست یافتن به اهداف توسعه اجتماعی تلقی می‌شوند.

مؤلفه‌ها و شاخص‌های سیاست‌های دارایی مبنا

در راستای عدم کارآمدی سیاست‌های دولتی در رویکرد نیازمنا که براساس آن نیازهای جامعه محلی از تفریق منابع موجود از منابع موردنیاز، به صورت دقیق تعیین کمیت می‌شوند، طیف وسیعی از شیوه‌های محله‌مبنا به جای روش‌های مرسوم و مداخلات دولتی از بالا به پایین مورد استفاده قرار گرفته است (خزائی، 1390: 25). در رویکرد دارایی-مبنا، سیاست‌های دارایی‌مبنای مردم‌گرا که بر توانمندسازی به جای استحقاق تأکید دارد، هم از مشارکت داوطلبانه و هم از مکان‌مبنا بودن آن نشأت می‌گیرد و این مسئله بر جامعیت آن دلالت دارد. از طرفی سیاست‌های دارایی مبنا مکان-گرا به دلیل تأکید بر اهمیت سرمایه کالبدی در توسعه اجتماع محلی و استفاده از آن به عنوان ابزاری برای افزایش

1 -Social Control
2 Asset - based policies
3 Need - based

سرمایه اجتماعی واجد اهمیت ابزاری است (شماعی و همکاران، 1393: 9). رویکرد دارایی مینا دارای یک مشخصه ساده می‌باشد؛ شناسایی دارایی‌های محلی: توسعه بر مبنای قابلیت‌های ساکنان، انجمن‌ها و نهادهای عمومی محلی تعیین می‌شود نه بر مبنای آنچه در محله موجود نیست و به آن نیاز است (Leman et al, 2017: 13).

کرتزمن و مک نایت دارایی‌های اجتماع محلی را شامل افراد، انجمن‌ها و نهادها می‌دانند. به اعتقاد آنان در بسیاری از اجتماعات محلی، انجمن‌هایی وجود دارد که اعضای آن‌ها به منظور حل مشکلات و منافع مشترک با اهداف متفاوت گرد هم می‌آیند. در کنار این انجمن‌ها، نهادهایی (مکان‌های عمومی محله) نیز وجود دارد که دارایی‌های عینی اجتماع محلی را تشکیل داده و از این لحاظ که زمینه‌ساز حضور و اجتماع مردم بوده و امکان انجام فعالیت‌های مشترک در آن‌ها وجود دارد، دارایی به حساب می‌آید. به اعتقاد عارفی، دارایی‌های اجتماع محلی در رویکرد دارایی مینا نوعاً سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی را شامل می‌شود (Kretzmann & Mcknight, 2016: 23). بولن نیز معتقد است بدون سرمایه اجتماعی، توسعه اجتماع محلی ممکن نخواهد بود (Bullen & Onyx, 2015: 11).

دارایی به منزله موجودی و توان مادی، اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی انسان و یا اجتماع محلی است که شکل بروز و ظهور آن در مقیاس اجتماع محلی به صورت شبکه‌ای است که افراد را برای برآوردن نیازهای خود به هم پیوند می‌زند. سیاست‌سازی و تصمیم‌گیری مدیران شهر برای دست یافتن به توسعه محلی بر مبنای این الگو می‌تواند شاخص‌های زیر را مورد توجه قرار دهد:

سرمایه اجتماعی: بر اساس ادبیات موجود، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از هنجارها و قوانین و شبکه‌های غیررسمی که همراهی، اعتماد و کنش جمعی برای به دست آوردن کالای عمومی را فراهم می‌آورد (Maru, McAllister & Smith, 2007: 183) و شامل جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنش جمعی را تسهیل کرده (Suzuki, 2010: 1368) و منابعی را برای دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار می‌گذارد (Chuang, 2008: 1322).

سرمایه کالبدی: سرمایه کالبدی، موجودی منابع مادی از قبیل مسکن، راه‌ها، پارک‌ها و فضاهای عمومی را شامل می‌شود. این نوع سرمایه‌ها، اصولاً فرسایشی هستند و در طول زمان بر اثر مصرف فرسوده می‌شوند. سرمایه‌های کالبدی با فراهم آوردن زمینه‌های ارتباط همسایگی، روابط رودررو، نمایش فضایی هنجارهای حاکم بر محلات اجتماعی، باعث تحکیم این روابط شده و از سوی دیگر باعث بالا رفتن سرمایه‌های اجتماعی می‌شوند (پیری، 1383: 286).

سرمایه مالی: آشکارترین و ملموس‌ترین نوع سرمایه در واقع سرمایه مالی است که به دارایی‌های بانکی، پس‌انداز، پول نقد و درآمد ماهانه و یا سالانه افراد، گروه‌ها و شرکت‌ها اطلاق می‌شود. در سطح اجتماعات محلی شاید کمبود و حتی فقدان جمعی نوع اخیر سرمایه باعث به حاشیه رانده شدن آن‌ها از متن اجتماع شهری شده و نوعی جدایی‌گزینی فضایی را به وجود می‌آورد که در سال‌های اخیر از عوامل عمده ایجاد ناپایداری در مناسبات شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیررسمی است (نقدی، صادقی، 1388: 20) که در حقیقت ناشی از انقلاب صنعتی است (Mumtaz and Bahar, 2001: 105). این نوع سکونتگاه‌ها در سرتاسر دنیا چالش‌هایی با قوانین رسمی برنامه‌ریزی شهری و پاکسازی زاغه‌ها دارند (Harward, 2017: 43).

رهیافت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی

رویکرد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی که با توجه به مقیاس رشد شهرنشینی و افزایش سکونتگاه‌های غیررسمی در اواسط دهه 1980 میلادی به کار گرفته شده، مسئله سکونت غیررسمی را در چارچوب راهبرد جامع‌تر و تأمین مسکن را در ارتباط با اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاست‌گذاری‌ها و ابزارهای موجود مورد توجه قرار

می‌دهد، به این مفهوم که تأمین مسکن برای اکثریت جمعیت شهری به صورتی کارآمد فقط از طریق رویکرد جامع توانمندسازی امکان‌پذیر است که شامل دسترسی به تأمین منابع مالی و اعتباری، زیرساخت‌های پایه و خدمات و به رسمیت شناختن تصرف و حق مالکیت آن‌ها است (پیری و همکاران، 1391: 125).

توانمندسازی از این دیدگاه، استفاده صرف از خزانه دولتی نیست بلکه ایجاد زمینه بهره‌گیری از توان و منابع محلی این جوامع در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی است. این رهیافت بر دیدگاه فقرزدایی و توسعه پایدار انسان‌محور با تکیه بر مشارکت شهروندان و مدیریت شهری متکی است (Friedmann, 1992: 59). در عین حال توانمندسازی باید به ظهور رهبریت در میان اجتماعات محلی بینجامد (Pal, 2008: 434). تلاش‌های موفقیت‌آمیز به منظور توانمند کردن مردم فقیر باعث افزایش آزادی انتخاب و عمل آن‌ها در بافت‌های مختلف می‌شود. دسترسی به اطلاعات، مشارکت و شمول، پاسخگویی و ظرفیت‌سازمانی محلی چهار عنصر مشترک رهیافت توانمندسازی هستند (Narayan, 2002: 13-14). عناصر فوق در زیر به صورت جداگانه بحث شده است اما آن‌ها به صورت در هم بافته و ترکیبی عمل می‌کنند.

جدول 3: چهار عنصر مشترک رهیافت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی

نوع رهیافت	نکات اصلی
دسترسی به اطلاعات	دسترسی به اطلاعات مناسب درباره فرصت‌های کار مزدی، خدمات عمومی قابل دستیابی، روش‌های مشخص محافظت از سلامت، روش‌های تولید مسکن و متغیر سیاسی نقش مستقیمی در بازماندگی خانوارهای فقیر دارد (Pacione, 2005: 589-590). بدون اطلاعات، فقرا توان کمتری برای کنش مؤثر خواهند داشت.
مشارکت و شمول	یکی از عناصر کلیدی رهیافت توانمندسازی، مشارکت افراد و گروه‌های فقیر در جریان سیاست و تصمیم‌گیری در جامعه شهری ارگانیک است. مشارکتی که براساس گفتگوی دوجانبه شکل می‌گیرد و شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می‌بخشد و باعث ورود آن‌ها به حوزه عمومی می‌شود (خضرابی، 1381: 56). طرفداران اندیشه انتقادی و مکتب فرانکفورت معتقد هستند که این حوزه به شدت زیر سلطه عقلانیت ابزاری، شیء گشتگی مدرن و علوم اثباتی، رو به افول گذاشته است که مبنایی را برای ساخت‌شکنی و خردستیزی اندیشمندان پست‌مدرن چون ژاک دریدا، میشل فوکو، ژان فرانسوا لیوتار، دیوید هاروی، مک کارتی و ... فراهم آورده است (پیری و همکاران، 1391: 126). رهیافت توانمندسازانه به مردم فقیر همچون تولیدکنندگان جمعی می‌نگرد که توانایی و قدرت کنترل بر تصمیمات و منابع حداقلی‌شان - مخصوصاً منابع مالی - را دارند. شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می‌بخشد (جمالی و همکاران، 1390: 9).
پاسخگویی	مشارکت پایدار مردم فقیر در جوامعی با هنجاری‌های محکم محرومیت با جوامع چند قومیتی با سابقه تضاد و ناسازگاری، فرایند پیچیده‌ای است که نیازمند مکانیسم‌های جدید، منابع، تسهیلات، آمادگی مداوم و آزمون و خطا است (Narayan, 2002: 19-20). به توان به چالش کشیدن و سؤال کردن از نهادهای دولتی که بودجه‌های عمومی را مصرف می‌کنند، اشاره دارد. چرا که تصمیمات آن‌ها رفاه مردم فقیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تقاضای پاسخگویی از طریق نظام قضایی صورت می‌گیرد که خود به چارچوب قانونی و سیاسی پشتیبانی‌کننده و حمایت‌کننده نیازمند است (Mathie et al, 2016: 59). دارای سه نوع مکانیسم اصلی است که عبارت‌اند از: پاسخگویی سیاسی توسط احزاب و نمایندگی‌های سیاسی منتخب از طریق انتخابات (Narayan, 2002: 21).
ظرفیت سازمانی	این موضوع به توانایی مردم برای کارکردن با یکدیگر، سازمان‌دهی و تحرک منابع برای حل مسائل و مشکلات عمومی اشاره دارد (جمالی و همکاران، 1390: 10). پیامد آن از منظر نظریه بازی، وضعیت برد-برد برای گروه‌های اجتماعی فقیر خواهد بود.

مأخذ: (پیری و همکاران، 1391: 125-127 و مطالعات نگارنده، 1396)

مدل نظری سیاست‌های دارایی‌مبنای توسعه اجتماع محلی و رهیافت توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی

در حالی که برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران اهمیت دارایی‌های محلی، شامل سرمایه‌های فیزیکی (مسکن، جاده‌ها و فضای عمومی) و سرمایه اجتماعی (شبکه‌های غیررسمی اعتماد و رابطه متقابل) را در بالا بردن سلامت اجتماعات شناخته‌اند، ارتباط بین این دارایی‌ها و سیاست‌گذاری مبهم است (Arefi, 2004:2). از طرفی رویکرد نیاز مبنا، نیازهای اجتماع محلی را مبنای توسعه قرار می‌دهد اما رویکرد دارایی مبنا سه ویژگی دارد:

بر ظرفیت‌سازی تأکید دارد و فرایندگراست.

همچنین به دلیل بسیج همه دارایی‌های اجتماعی و کالبدی اجتماع محلی، جامع‌نگراست.

در نهایت واجد اهمیت "ابزاری" است زیرا سرمایه اجتماعی و کالبدی را به عنوان ابزاری برای سایر اهداف به کار می‌برد.

دیدگاه دارایی مبنا، جامع‌نگراست و به انسجام "رفاه مردم" و "مکان" یا "خوشبختی مردم و مکان"، تمایل دارد. بر خلاف آن، رویکرد نیاز مبنا، این دو گونه رفاه را از هم متمایز می‌کند (عارفی، 1380: 24). رویکرد نیاز مبنا که رویکردی پیامدگراست، میان رفاه مردم و مکان تفاوت می‌گذارد. برای مثال، این نوع رویکردها مردم را مستقیماً از طریق یارانه‌های دولتی و قطع نظر از مکان زندگی آنها هدف قرار می‌دهند، به همین ترتیب مکان، هدف رویکرد سیاست‌گذاری رایج با پیامد خاص کالبدی است و به اثرات آن بر روی مردم بی‌توجه است. سیاست‌های مبتنی بر رویکرد نیاز، سیاست‌های مستقلی را در برابر مکان و مردم در پیش می‌گیرند. تصویر زیر حاوی تقسیمات دو گانه نیاز / دارایی و مردم / مکان می‌باشد و به بررسی تفاوت‌های میان رویکرد دارایی مبنا و نیاز مبنا می‌پردازد. این جدول چهار وضعیت قابل تصور برای سیاست را نشان می‌دهد که عبارتند از: 1) نیاز مبنا، مردم گرا؛ 2) دارایی مبنا، مردم گرا؛ 3) نیاز مبنا، مکان گرا؛ 4) دارایی مبنا، مکان گرا.

نیاز	هدف‌گیری اجتماعی استحقاق خدمات رفاهی کوپن‌های مواد غذایی اعانات	مردم	هدف‌گیری جغرافیایی بازسازی مجموع صفر نوسازی شهری خانه‌سازی دولتی کمک‌های بلاعوض دولتی برای توسعه اجتماع محلی	مکان
رویکرد	نیاز	رویکرد	نیاز	نیاز
دارایی	سرمایه اجتماعی توانمندسازی سرمایه به هم پیوستگی سرمایه اتصالی	دارایی	سرمایه کالبدی بسیج منابع برای مکان انجمن‌های توسعه اجتماع محلی	دارایی

تصویر 1: رویکرد سیاست و پیامد مربوط به هدف (وضعیت) نوع سیاست دولتی مأخذ: (عارفی، 1380: 24)

بعد افقی به دو نوع سیاست رفاه مردم و یا مکان تقسیم شده است و بعد عمودی رویکرد نیاز و دارایی را نشان می‌دهد. رویکرد نیاز با هدف‌گیری اجتماعی از طریق وابسته کردن مردم به خدمات رفاهی و کوپن‌های مواد غذایی و اعانات، نوعی فرهنگ استحقاق و وابستگی را به وجود می‌آورد که با تداوم چرخه فقر، تعهدی در مردم برای پیشرفت ایجاد نمی‌کند. در حالی که رویکرد دارایی، گذار از استحقاق به توانمندسازی را با تأکید بر سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد و همچنین رویکرد نیاز با هدف‌گیری جغرافیایی (مکان مبنا) از قبیل نوسازی شهری، خانه‌سازی دولتی و با وضعیت بازی باخت - باخت یا مجموع صفر روبرو خواهد بود (عارفی، 1380: 24). رهیافت توانمندسازی برخلاف استحقاق، گذار از تلقی مردم به عنوان یک مسئله (نیاز) به سمت نگرش به آن‌ها به عنوان راه‌حل (دارایی) را نشان می‌دهد. این گذار نقشی فعال برای شهروندان فرض می‌کند تا جایگزین نقش در حال کاهش دولت در امور محلی شود. راهبرد توانمندسازی به طور ضمنی، بر جامعیت اشاره دارد و دگرگونی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را پیشنهاد می‌کند.

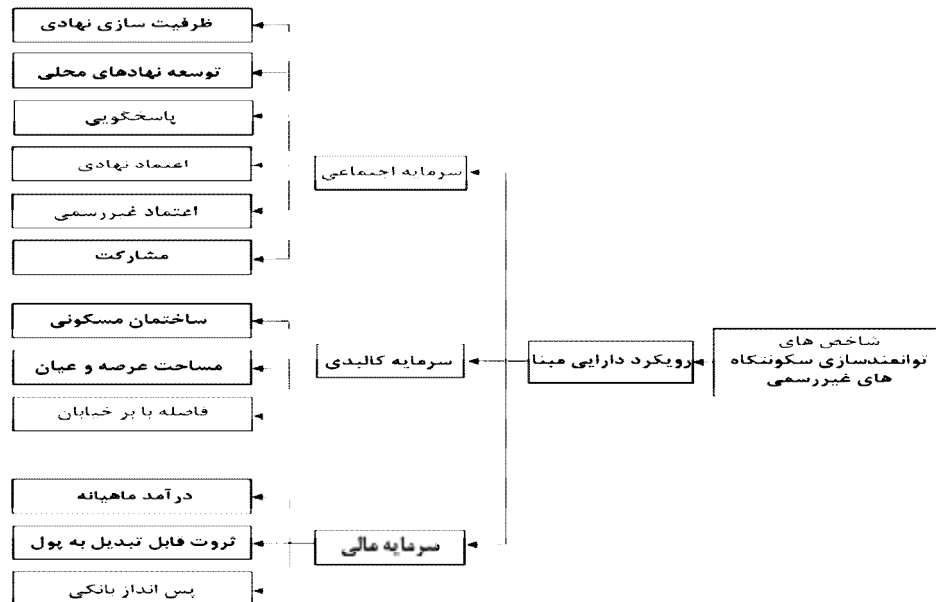
جدول 4: شاخص‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر رویکرد دارایی مبنا از دیدگاه صاحب‌نظران

صاحب‌نظران شاخص‌ها		پانتم	الریگ وهالپرن	فارست و کرنز	بولن و انیکسن	الوانی و سیدتقوی
سرمایه اجتماعی	ظرفیت‌سازی محلی					
	توسعه نهادهای محلی					
	پاسخگویی					
	اعتماد نهادی					
	احساس تعلق و امنیت					
	اعتماد غیررسمی					
	مشارکت					
	پذیرش تنوع					
سرمایه کالبدی	ساختمان مسکونی					
	مساحت عرصه و عیان					
	فاصله با بر خیابان					
سرمایه مالی	درآمد ماهیانه					
	ثروت قابل تبدیل به پول					
	پس‌انداز بانکی					

مأخذ: (نگارنده، 1396)

با توجه به تعاریف، ویژگی‌ها و رویکردهای بیان شده در زمینه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و نیز با تأکید بر جدول فوق، شاخص‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر رویکرد دارایی مبنا (ابعاد سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی و سرمایه مالی) در تقابل با رویکرد نیاز مبنا که دارای بالاترین میزان فراوانی بودند به عنوان شاخص‌های مورد مطالعه پژوهش انتخاب شدند که در نمودار زیر ارائه شده است:

نمودار 1: شاخص‌ها و زیرشاخص‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد دارایی مبنا



مأخذ: (نگارنده، 1396)

در ادامه به معرفی مختصری از برخی از شاخص‌های منتخب اقدام می‌شود:
 ظرفیت‌سازی نهادی: در این رویکرد نقش عوامل خارجی، بسیج و تجهیز دارایی‌ها جهت توسعه اجتماع محلی است و این همان چیزی است که از آن تحت عنوان ظرفیت‌سازی یاد می‌شود (Kretzmann & Mcknight, 2016: 13).
 ظرفیت‌سازی برای اجتماعات محلی اهمیتی فوق‌العاده دارد. والیس سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی را عوامل شتاب-دهنده برای ظرفیت‌سازی می‌داند (Jayawardena, et al, 2017: 38). امروزه ظرفیت‌سازی اغلب بر توانمندسازی ساکنان و سرمایه اجتماعی تمرکز دارد که به عنوان فرهنگ و ارزش روی ساکنان اثرگذار است (Willems and Baumert, 2003: 10).

توسعه نهادهای محلی: موضوع مشارکت مردم در امور محلی از یک دهه قبل تاکنون به عنوان عامل اساسی در برنامه-ریزی شهری و منطقه‌ای مطرح شده است. که در این باره دولت‌ها و نهادهای محلی می‌توانند همانند ابزاری مطمئن برای شرکت مردم در تصمیم‌گیری محلی نقش مهمی ایفا کنند. نهادهای محلی به عنوان سازمان‌های غیردولتی مؤسساتی کارآمد هستند که به عنوان مکمل بخش دولتی در تأمین اهداف توسعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند (گل محمدی و یوسفی، 1388: 9). مزیت نهادهای محلی بر سازمان‌های دولتی در این است که این نهادها می‌توانند مردم فقیر و افراد آسیب‌دیده و در معرض آسیب را در سطح محدود محله، روستا و غیره شناسایی کرده و به آن‌ها کمک نمایند (موسوی، 1394: 12).

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه پژوهش بیان می‌دارد که به نظر می‌رسد میزان رضایتمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در صورت توجه به شاخص‌های دارایی مبنا (به ترتیب اهمیت توجه به شاخص‌های سرمایه کالبدی و سرمایه مالی و در نهایت سرمایه اجتماعی) ارتقا خواهد یافت.

روش پژوهش

بر اساس ماهیت و روش، پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و جهت انجام مطالعات این پژوهش از ابزارهایی مانند مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و روش‌های میدانی نظیر پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. با توجه به بحث‌های نظری مقاله، فرضیه تحقیق محک تجربی و آزمون آماری می‌شود.
 مراحل انجام این مطالعات بدین صورت است که به منظور تهیه مبانی نظری و پایه‌ای پژوهش عمدتاً از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و اینترنتی استفاده شده و ابعاد و شاخص‌ها بر اساس ادبیات جهانی حاکم بر سکونتگاه‌های غیررسمی و راهبرد توانمندسازی با تأکید بر رویکرد دارایی مبنا انتخاب و در مرحله بعد اقدام به بومی‌سازی آن‌ها با شرایط کلانشهر تهران گردیده است. جهت دستیابی به اطلاعات موردنیاز برای تجزیه و تحلیل و شناخت محدوده مورد مطالعه از روش‌های مشاهدات میدانی و تکمیل پرسشنامه و مشاهده مستقیم بهره گرفته شده است.
 روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای خوشه‌ای و سیستماتیک است که در ابتدا خوشه‌های موردنظر انتخاب و سپس به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک جمعیت پاسخگو انتخاب شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول عمومی کوکران و با سطح اطمینان 95 درصد و مقدار دقت احتمالی 0 / 05 و با استفاده از واریانس متغیر وابسته، به تعداد 385 نفر انتخاب شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{2 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

برای آزمون قابلیت اعتماد پرسشنامه‌های پژوهش از درون‌یابی آماری آلفا کرونباخ استفاده شده است. با استفاده از این آزمون، سؤالات پرسشنامه به همراه متغیرها و مؤلفه‌های هر متغیر توسط جمع 22 نفری از اساتید و متخصصان جامعه-شناسی، جغرافیای شهری و شهرسازی مورد تأیید قرار گرفته‌اند و با توجه به این موضوع که میزان این ضریب 0/89 به دست آمده می‌توان پایایی آن را تأیید نمود و با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفتند.

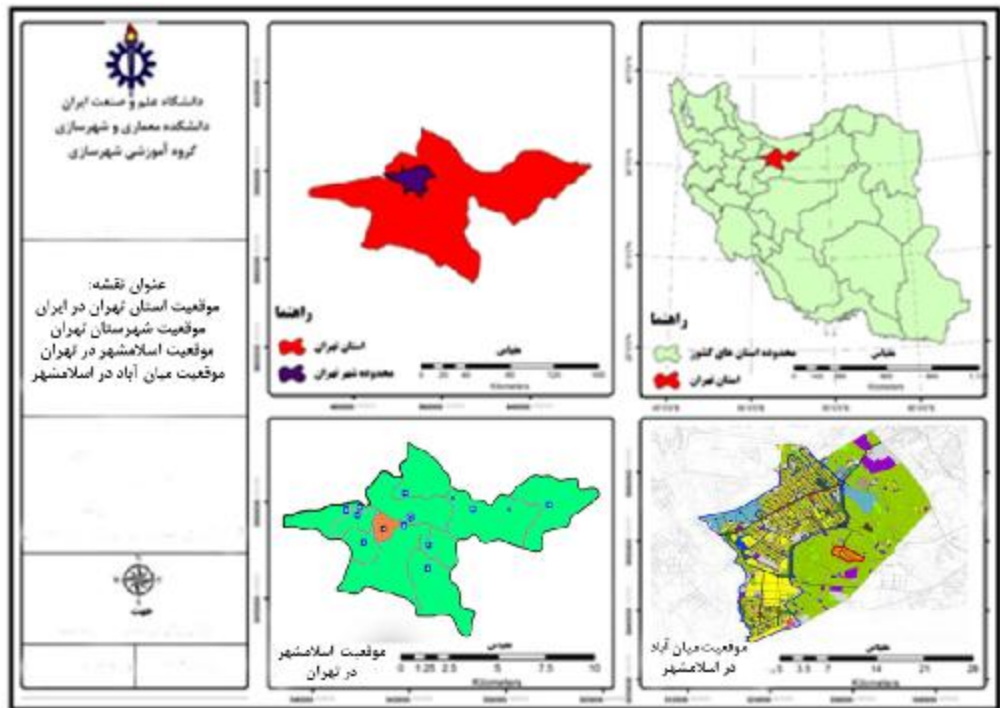
$$r = \frac{J}{J-1} \left(1 - \frac{\sum s_j^2}{s^2} \right)$$

تحلیل اطلاعات گردآوری شده در راستای تأیید و عدم تأیید فرضیه پژوهش صورت گرفته است، به منظور سنجش فرضیه پژوهش که تعیین اهمیت هر یک از شاخص‌ها در محدوده مورد مطالعه، روش رگرسیون خطی (Linear Regression) و ضریب بتا در محیط نرم‌افزار spss به کار گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

معرفی واحد تحلیل

اسلامشهر در نواحی میانی شمال غرب فلات مرکزی و بر روی آبرفت‌های سیلابی و مخروطه افکنه سیلابهای جاری شده از دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی واقع شده است. مساحتی بالغ بر 225 کیلومتر مربع (7/1 درصد مساحت استان تهران) را اشغال کرده است (فرمانداری اسلامشهر، 1390). اسلامشهر بر روی یکی از مهمترین محورهای ارتباطی استان تهران با جنوب کشور یعنی محور ارتباطی تهران-ساوه و خط آهن تهران - قم در 22 کیلومتری راه زمینی جنوب غرب پایتخت واقع شده است (طرح جامع اسلامشهر، مهندسین مشاور همسو، 1364، بخش دوم: 1). در گذشته به دلیل همجواری روستای قاسم‌آباد با جاده ساوه، اسلامشهر را به نام قاسم‌آباد شاهی و یا قاسم‌آباد می‌شناختند و مدتی نیز نام آن شادشهر بوده است. این شهر از نظر تقسیمات دارای سه شهر با مرکزیت اسلامشهر میباشد و مدتی نیز نام آن شادشهر بوده است. میان آباد نیز به عنوان محله مورد مطالعه در جنوب شهر اسلامشهر واقع شده است (شکل 1).



تصویر 2: معرفی محله میان‌آباد در اسلام‌شهر مأخذ: (نگارنده، 1396)

توصیف نمونه آماری

223 نفر از پاسخگویان مرد (58 درصد) و 162 نفر از ایشان زن (42 درصد) بودند. میانگین سن کل پاسخگویان 18 / 38 سال بوده است. میانگین سن پاسخگویان برای زنان 13 / 34 و برای مردان 23 / 42 است. تقریباً تمام پاسخگویان متأهل بوده و وضعیت تحصیلی و سواد یکسانی داشتند؛ اغلب تحصیلات سیکل یا دیپلم داشتند.

نرمال بودن داده‌ها

با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنف نرمال بودن داده‌ها را می‌توان بررسی کرد که ما در اینجا این آزمون را برای کل داده‌ها و نیز تک‌تک متغیرها انجام داده‌ایم که نتایج آن به صورت جدول زیر نشان داده شده است. این آزمون در سطح اطمینان 95 درصد انجام می‌گیرد؛ به عبارتی سطح معنی‌داری ما 5 درصد $\alpha = 0.05$ می‌باشد. در این آزمون ما دو فرض زیر را داریم:

داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند.

اگر p -مقدار به دست آمده بزرگتر از $\alpha = 0.05$ باشد نرمال بودن داده‌ها را نتیجه می‌گیریم و در غیر این صورت به نرمال بودن داده‌ها شک می‌کنیم. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول زیر از آنجایی که p مقدار به دست آمده برای آزمون بزرگتر از سطح معنی‌داری می‌باشد، فرض نرمال بودن داده‌ها را پذیرفته و می‌توان برای بررسی فرضیه‌ها از روش‌های پارامتری استفاده کرد که در پژوهش حاضر از روش ضریب بتا در تحلیل رگرسیون بهره گرفته شده است.

جدول 5: نتایج آزمون نرمال بودن مربوط به شاخص‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر رویکرد دارایی مینا

شاخص	زیرشاخص	تعداد داده‌ها	آماره کولموگروف اسمیرنف	مقدار P
سرمایه اجتماعی	ظرفیت‌سازی نهادی	0/367	0/945	0/576
	توسعه نهادهای محلی	0/492	0/817	0/952

0/846	0/576	0/591	پاسخگویی	
0/885	0/952	0/589	اعتماد نهادی	
0/931	0/846	0/405	اعتماد غیررسمی	
0/765	0/885	0/417	مشارکت	
0/765	0/931	0/732	ساختمان مسکونی	سرمایه کالبدی
0/751	0/765	0/185	مساحت عرصه و عیان	
0/974	0/751	0/111	فاصله با بر خیابان	
0/783	0/974	0/668	درآمد ماهیانه	سرمایه مالی
0/756	0/783	0/533	ثروت قابل تبدیل به پول	
0/576	0/756	0/547	پس‌انداز بانکی	

مأخذ: (نگارنده، 1396)

آزمون فرضیه

H1: به نظر می‌رسد میزان رضایتمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در صورت توجه به شاخص‌های دارایی مبنا (به ترتیب اهمیت توجه به شاخص‌های سرمایه کالبدی و سرمایه مالی و در نهایت سرمایه اجتماعی) ارتقا خواهد یافت.

H0: به نظر می‌رسد میزان رضایتمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در صورت توجه به شاخص‌های دارایی مبنا (به ترتیب اهمیت توجه به شاخص‌های سرمایه کالبدی و سرمایه مالی و در نهایت سرمایه اجتماعی) ارتقا نخواهد یافت.

به منظور سنجش فرضیه مطرح شده فوق و نیز میزان همبستگی شاخص‌های توانمندسازی سکونتگاه غیررسمی رویکرد دارایی مبنا استخراج شده با میزان رضایتمندی ساکنان سکونتگاه غیررسمی و همچنین به منظور درک این موضوع که میزان رضایتمندی ساکنان از ناحیه با کدام یک از زیرشاخص‌های توانمندسازی رابطه بیشتری دارد، از روش همبستگی رگرسیون خطی بهره گرفته می‌شود. عدم خود همبستگی متغیرها با عدد 1.60 در آزمون Durbin-Watson مشخص شد. در این روش، سوال 28 (رضایتمندی کلی) متغیر وابسته و هشت عامل، متغیر مستقل در نظر گرفته شدند.

جدول 6: جدول ضرائب تحلیل رگرسیون خطی شاخص‌ها و زیرشاخص‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد دارایی مبنا در محله میان‌آباد اسلام‌شهر تهران

شاخص	زیرشاخص	ضریب بتا (Beta)	آزمون T	معناداری (sig)
سرمایه اجتماعی	ظرفیت‌سازی نهادی	0/367	0/945	0/003
	توسعه نهادهای محلی	0/492	0/017	0/004
	پاسخگویی	0/591	0/576	0/004
	اعتماد نهادی	0/589	0/452	0/001
	اعتماد غیررسمی	0/405	0/846	0/002
	مشارکت	0/417	0/185	0/003
سرمایه کالبدی	ساختمان مسکونی	0/732	0/931	0/003
	مساحت عرصه و عیان	0/185	0/375	0/001
	فاصله با بر خیابان	0/111	0/751	0/001

0/004	0/174	0/668	درآمد ماهیانه	سرمایه مالی
0/002	0/283	0/533	ثروت قابل تبدیل به پول	
0/003	0/756	0/547	پس‌انداز بانکی	

مأخذ: (نگارنده، 1396)

با توجه به جداول بدست آمده و بررسی ستون "Beta" که نشان‌دهنده میزان وابستگی عوامل به میزان رضایتمندی از سکونتگاه غیررسمی در صورت توجه به شاخص‌ها و زیرشاخص‌های ذکر شده می‌باشد، می‌توان بیان کرد که فرضیه H1 تأیید شده و فرضیه H0 رد می‌شود. در مجموع می‌توان مشاهده کرد که این وابستگی در زیرشاخص ساختمان مسکونی مربوط به شاخص سرمایه کالبدی بالاتر از بقیه موارد بوده که این امر نشان‌دهنده کیفیت بسیار پایین مسکن و سرپناه در این سکونتگاه‌ها می‌باشد چرا که الگوی ساخت مسکن در محله میان‌آباد به صورت استفاده از مصالح آجر و سیمان یا گچ می‌باشد. به طوری که 74 درصد از واحدهای مسکونی این محله بدین شیوه احداث شده است. از سوی دیگر براساس شیوه ساخت مسکن نشان می‌دهد که در 12 درصد از واحدهای مسکونی، احداث مسکن با استفاده از پیمانکار ماهر بوده و در 56 درصد از واحدهای مسکونی از کارگران غیرماهر برای احداث مسکن استفاده شده است و از طرف دیگر با توجه به فرودست بودن محله و گسستگی آن از بافت شهر، ارزش زمین مسکن پایین می‌باشد. همچنین میان‌آباد از جمله محلاتی است که در خصوص زیرساخت‌ها از مشکلات زیادی رنج می‌برد به جزء راه ارتباطی میان‌آباد به جاده کمربندی و سپس هسته مرکزی شهر که با توجه به روکش آسفالت مناسب در سطح معقول قرار گرفت مابقی قسمت‌های محله از لحاظ سطح معابر، کوچه‌ها، جوی‌ها و ایجاد جداول مشکلات اساسی دارد و به‌طورکلی نحوه دفع فاضلاب و آب‌های سطحی در میان‌آباد دارای هیچ‌گونه سیستم دفع نمی‌باشد و آب‌های سطحی و فاضلاب و مشکلات زیادی را از لحاظ زیست‌محیطی برای ساکنان فراهم ساخته است. در قسمت شمالی میان‌آباد رویروی اداره آب و فاضلاب اکثر فاضلاب و آب‌های سطحی جمع شده و چشم‌انداز و منظره بسیار بدی را از لحاظ بهداشتی به وجود می‌آورد.

در رتبه بعدی زیرشاخص درآمد ماهیانه مربوط به شاخص سرمایه مالی بالاترین میزان همبستگی را در میزان رضایت ساکنان سکونتگاه غیررسمی به خود اختصاص می‌دهد دلیل این امر آن است که بسیاری از ساکنین به دلیل توانایی اقتصادی پایین قادر نیستند نسبت به بهبود شرایط زندگی خود اقدام نمایند برای مثال در این محله به دلیل نبود سطل‌های زباله شهری انباشت زباله‌ها و مصالح ساختمانی در کنار خیابان‌ها به وفور دیده می‌شود و مشکلات بسیاری را برای ساکنین ایجاد کرده است.

بعد از این دو زیرشاخص می‌توان گفت بالاترین امتیازها مربوط به زیرشاخص‌های شاخص سرمایه اجتماعی از قبیل: پاسخگویی، اعتمادنهادی، مشارکت، ظرفیت‌سازی نهادی می‌باشد که این امر تأکید بر اهمیت گسترش رویکرد دارایی-مبنای در جوامع دارای بحران می‌باشد که بتوانند از پتانسیل‌های محلی موجود در نواحی بیش‌ترین بهره را برده و اعتماد این قشر آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر جامعه را به خود جلب کرده و زمینه‌ساز بهبود شرایط زندگی آن‌ها و در نهایت کل جامعه شوند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

معضل اصلی بسیاری از راهبردهای مواجهه با سکونتگاه‌های غیررسمی، نادیده انگاشتن آنها به عنوان یک اجتماع محلی با شبکه‌های گسترده اعتماد و هنجارسازی است که می‌تواند با حمایت دولت و نقش تسهیل‌گر آن دارایی‌های خود را به میان آورده و معضل خود را با کنشی ارتباطی، حل نمایند. رویکرد دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی در

برابر رویکرد نیاز مینا بر ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی از رهگذر سرمایه‌های اجتماعی، کالبدی و مالی آنها می‌نگرد و با رویکردی فرایندگرایانه این نوع سرمایه‌ها را در فرایند توسعه پایدار شهری، ابزاری برای جامع‌نگری و انسجام رفاه و خوشبختی مردم و مکان می‌داند. مباحث مطرح شده در پژوهش حاضر نشان‌دهنده گذار از رویکرد نیاز به دارایی می‌باشد که باعث جایگزینی فرهنگ استحقاق و فقر با رهیافت توانمندسازی و تعهد می‌شود که پیامد آن وضعیت برد - برد برای ساکنان و دولت محلی خواهد بود.

همانگونه که بیان شد، وابستگی در زیرشاخص ساختمان مسکونی مربوط به شاخص سرمایه کالبدی در محله میان‌آباد اسلامشهر بالاتر از بقیه موارد بوده، بنابراین حق اقامت و امنیت در این محله باید به رسمیت شناخته شود و از تخریب و تخلیه قهری و بدون مذاکره با ساکنان درباره چگونگی تأمین فضای جایگزین پرهیز شود. همچنین با توجه به توان مالی پایین ساکنین یارانه‌هایی به منظور استحکام بخشی و بازسازی و نوسازی ساختمان‌های مسکونی که از مصالح بادوام و مناسب در ساخت آنها استفاده نشده است، در نظر گرفته شود و ضوابط و نظارت اصولی و منطقی نیز برای ساختمان‌های در حال ساخت تدوین شود.

در برخورد با محله میان‌آباد اسلامشهر، سیاست‌گذاری نه بر مبنای بازدارندگی از حق مهاجرت و سکونت در شهر، بلکه بر مبنای تفهیم انجام تکالیف و وظایف شهروندی ساکنان در برخورداری از این حق باشد. زیرشاخص درآمد ماهیانه مربوط به شاخص سرمایه مالی بعد از زیرشاخص ساختمان مسکونی بالاترین میزان همبستگی را به میزان رضایت ساکنان سکونتگاه غیررسمی در محله میان‌آباد اسلامشهر را به خود اختصاص می‌دهد. در این راستا می‌توان بیان کرد که از مهم‌ترین اصول راهبردی توانمندسازی، تقویت بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی خانواده در حکم واحد بنیادی در محله میان‌آباد می‌باشد. تأمین سرپناه مناسب، در حد استطاعت و دسترس، ایمن و برخوردار از خدمات و زیربنای پایه، فراهم نمودن فرصت‌های شغلی پایدار با نگرش خرد و از میان برداشتن موانع کالبدی، نقشی اساسی در افزایش رضایتمندی در این محله برخوردار می‌باشد. مسکن بزرگ‌ترین سرمایه این خانواده‌هاست که امنیت، نگاه - داشت و بهبود وضعیت آن موجب حفظ کیان خانواده و افزایش بهره‌وری نیروی کار و همبستگی آن با جامعه می‌شود، بنابراین تخصیص منابع بخش دولتی - عمومی به این امر صرفاً هزینه‌ای اجتماعی محسوب نمی‌شود بلکه فواید اقتصادی برای کل جامعه دربردارد. در زمینه زیرشاخص‌های سرمایه اجتماعی که توجه زیادی در میان ساکنان به آن شده بود، می‌توان گفت، مهم‌ترین ویژگی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد دارایی مینا، در ایجاد محیطی قابلیت‌زا برای مشارکت ساکنان در رفع نیازهای جمعی آنها در محیط ساخته شده است. به سخن دیگر، استفاده از سرمایه‌های انسانی و اجتماعی برآمده از درون این اجتماعات از مهم‌ترین اصول پایه در توانمندسازی و ساماندهی است، البته پی‌ریزی راه‌حل از درون، نافی استفاده آگاهانه و جهت‌دار از منابع بخش دولتی - عمومی در این راه نیست.

بنابراین در راستای بهبود شرایط و تحقق توانمندسازی با رویکرد نوین دارایی مینا در محله میان‌آباد اسلامشهر تمرکز بر اقدامات زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ü حق اقامت و امنیت در سکونت به همراه مسئولیت‌پذیری مدنی
- ü تقویت بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی خانواده با تأکید بر مسکن و اشتغال
- ü بازنگری سیاست‌های موجود و تأمین فضای شهری برنامه‌ریزی شده برای کم‌درآمدها
- ü نقش تسهیل‌کننده و هدایتگر بخش دولتی - عمومی
- ü بسیج منابع درون اجتماعات و خودیاری حمایت و هدایت شده
- ü تقویت نقش و وظیفه نهادهای مدیریت محلی در فرآیند توانمندسازی و سازمان‌دهی اسکان غیررسمی

کتابشناسی

1. اسکندری، محمد (1394) از شهرنشین تا شهروند: توسعه دارایی مبنا به مثابه توسعه پایدار محلی در مناطق فرودست شهری مورد مطالعه: مهرشهر بیرجند، هفتمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر راهبردهای توسعه شهری، مشهد، شورای اسلامی شهر مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، شهرداری مشهد، https://www.civilica.com/Paper-URBANPLANING07-URBANPLANING07_150.html
2. ایراندوست، کیومرث، اعظمی، م.، تولایی، روح‌الله (1393): شاخص‌های تعریف و تعیین سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران، نشریه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره 21، صص 43-60
3. ایراندوست، کیومرث، علیزاده، هوشمند، خسروانیا، لیلا، تولایی، روح‌الله (1392): گونه‌شناسی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای ایران، مطالعه تطبیقی شهرهای سنندج و کرمانشاه، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره 10، بهار و تابستان 92، صص 91-104.
4. بمانیان، محمدرضا (1391) معنا و مفهوم‌شناسی شهر ایرانی 10 اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق‌ها، نشریه شهر پایدار، دوره 1، شماره 1، زمستان 1393، صص 69-88.
5. پیران، پرویز (1382). بازهم در باب اسکان غیررسمی: مورد شیرآباد زاهدان؛ نشریه هفت شهر، سال سوم، شماره نهم و دهم.
6. جمالی، فیروز، پورمحمدی، محمدرضا، شریف‌نژاد، جواد (1390): توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سرمایه اجتماعی: گفتمانی غیر کالبدی برای توسعه مطالعه موردی: کلانشهر تبریز، دوره چهارم، شماره چهاردهم، پاییز 1390، صص 118-137.
7. پیری، عیسی (1383). تبیین علمی حکمروایی مطلوب و کارایی ارتباطی شهر؛ مطالعه موردی: نظام شهری استان آذربایجان شرقی؛ پایا نامه دکترا، دانشگاه تبریز.
8. خزائی، زهرا، (1390). اسکان غیررسمی و ضرورت اعمال برنامه‌ریزی و مدیریت در کلان‌شهرها، سومین همایش ملی فضای جغرافیایی، رویکرد آمایشی و مدیریت محیط.
9. شکویی، حسین، (1387). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، نشر گیتاشناسی.
10. شماعی، علی، ملکان، جواد، صادقی، پریسا (1393). راهبردهای توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهری با استفاده از تکنیک QSPM (مطالعه موردی: شهرک شهدای سنقر)، فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره 23، شماره 90، تابستان 93، صص 26-40.
11. صرافی، مظفر، (1382). بازنگری ویژگی‌های اسکان خودانگیخته در ایران مجموعه مقالات در جست‌وجوی راهکارهای توانمندسازی در حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه توابخشی و علوم بهزیستی، جلد دوم.
12. عارفی، مهیار، (1380). به سوی رویکردی دارایی مبنا برای توسعه اجتماع محلی، ترجمه نوین تولایی، هنرهای زیبا، شماره 10.
13. موسوی، سید رفیع (1394). تحلیل ظرفیت‌های نهادی موثر در بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری، رساله دکتری در تدوین، به راهنمایی حسین کلانتری و مشاور: احمد پور احمد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
14. گل محمدی، ساره، یوسفی، آرش، (1388). نقش و مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در توسعه حقوق محیط زیست، مجله محیط کوهستان، شماره 14.
15. نقدی اسدالله، رسول صادقی، (1388). حاشیه‌نشینی چالشی فراوری توسعه پایدار شهری با تأکید بر همدان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره 20.

16. Arefi, Mahyar (2004) An asset based approach to policy making: revisiting the history of urban planning and neighbourhood change in Cincinnati, *Cities* volume 21, Tissue 6, Decemember, p2.
17. Bego, Enkela (2003), "Assessing Feasibility Study of informal Settlements Upgrading: Are there GI Policy and Management Implications? Case Study of Windhoek, Namibia", International Institute for Geo-information Science and Earth Observation Ensched, the Netherland.
18. Bullen, P. & Onyx, J. (1999) Social Capital, Family Support Services and Neighborhood and Community Centers in New South Wales. Available from: www.mapl.com.au. (Accessed 3 August 2012).
19. Chuang Y.C, Chuang K.Y. (2008) Gender differences in relationships between social capital and individual smoking and drinking behavior in Taiwan, *Social science and Medicine*, No.67,pp: 1321- 1330.
20. Divani, Koli (2011) An ontology of slum for image-based classification, *Computers, Environment and Urban Systems*. v 36, no. 2. pp 154-163.
21. Friedmann, J. (1992), *the politics of alternative development*, Cambridge, Blackwell.
22. Howard D. (2017) *The politics of critique: Habermas' attempt to preserve the gain modernity*, Macmillan, London.
23. Jayawardena, chandana;j. Patterson; Daniel, choi; chris and rain Ryan (2017)sustainable tourism development in Niagara; discussions, theories and insights , *international journal of contemporary hospitality management*, vol.20No.3, pp:258-277:www.emeraldinsight.com.
24. Kretzmann, J. & McKnight, J. (2016) *Building Communities from the Inside Out: a Path toward Finding and Mobilizing a Community's Assets*. Chicago, IL: ACTA Publications.
25. Lana W. (2017) provision of urban services in an informal settlement: a case study of
26. camping Penastanggul, Jakarta, *Habitat international*, no.28.
27. Leman, Edward and John E.Cox. (1991). Sustainable urban development: strategic considerations for urbanizina nations. *Ekistics*, Vol. 58, No. 348/349: 216-224.
28. Lowe, Lucky, Schilderman, Theo (2016) *THE IMPACT OF POLICIES INSTITUTIONS AND PROCESSES IN URBAN UP-GRADING*, DFID. Knowledge and Research Project – Regulatory Guidelines for Urban Upgrading: Workshop Report September 2016.
29. Mathie, A. & Cunningham, G. (2016). *From Clients To Citizens: Asset-Based Community Development As a Strategy For Community Driven Development*. Occasional Paper Series, No. 4. Canada, Nova Scotia: Coady International Institute.
30. Mumtaz, B., (2001) Why City Need Slums, *Habitat debate*, Vol.7, No. 3.
31. Maru, T., Ryan, Y., McAlister, R., J., Stafford Smith M. (2007), Modeling community interactions and social capital dynamics; the case of regional and rural communities of Australia. *Agricultural systems*.No.92.
32. Narayan D. (2002) *Empowerment and Poverty reduction; a source book*, the World Bank press.
33. Ostrom. (2016). Elinor, *Investing Capital, Institutions and Incentives*, In *Institution and Economic Development: Growth and Government in less Developed and Post-Socialist Countries*. Edited by Clause, C. Paltimore and London: The John Hopkins University Press.
34. Pacione, M.(2005), *Urban Geography*, Cambridge University Press.
35. Pal, A. (۲۰۱۵), political space for the civil society: the work of two community- based.
36. Suzuki E., Takao S. Subramanian SV., Kumatsu H., Doi H., Kawachi I. (2010), Does low work place social capital have detrimental effect on worker's health? *Social science and Medicine*, No.70, pp: 1367- 1372.
37. Un- habitat (2003a), *The Challenge of Slums;Global Report on Human Settelment*.
38. Willems, Stéphane, Baumert, Kevin (2003), *Institutional Capacity and Climate Actions*, Organisation for Economic Co-Operation and Development, International Energy Agenc.